

The Antecedents and Consequences of Market-Based Higher Education Policy in Iran

**Saeed Moghadaspour¹, Hassan DanaeeFard^{2*},
Aliasghar Fani³, Ahmadali Khaefelahi³**

1- Ph.D. Student of Public Policy Making, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2- Professor, Faculty Member of Management & Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

3- Associate Professor, Faculty Member of Management & Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

The market-based higher education development policy has been an alternative policy for the Ministry of Science, Research, and Technology because of the university budget constraints. The increasing number of universities and higher education centers in the country and the increasing number of undergraduate and postgraduate students are evidence of this. With regard to the purpose of this study which analyzes the antecedents and consequences of the formation of the market-based higher education policy in Iran, deep and semi-structured interviews were conducted by scientific and practical experts in the Higher education system of the cities of Tehran and Isfahan between 2016-2018, and finally, seven antecedents: the origins, structural-political factors, background-cultural factors, professional-specialized factors, philosophical-existential factors, economic-market factors, financial-budgetary factors; and four consequences: deficiency in the academy, social problems, functional problems, and positive effects were extracted and named. Then their validity was confirmed through qualitative methods of credibility.

The results of this research can provide guidelines for the leaders, policy-makers, and managers of the country's higher education and help to develop theoretical knowledge in the field of higher education policy-making.

Keywords: Market-Based Policies, Marketisation of Higher Education, Credentialism, Massification of Higher Education, Educational Inflation

* Corresponding author: hdanaee@modares.ac.ir

پیش‌آیندها و پس‌آیندهای خطمشی بازاری در آموزش عالی ایران

سعید مقدس پور^۱، حسن دانایی‌فرد^{۲*}، علی‌اصغر فانی^۳، احمدعلی خائف‌الهی^۳

۱- دانشجوی دکتری مدیریت سیاست‌گذاری بخش عمومی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۲- استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۳- دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

چکیده

توسعه بازاری آموزش عالی، خطمشی دستگاه راهبری و مدیریتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بوده چرا که افزایش روزافزون هزینه‌های آموزش عالی، دولت را به سمت و سوی دخالت بازار آزاد تشویق کرده و افزایش روزافزون تعداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و روند رو به افزایش تعداد دانشجویان دوره‌های کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری نیز شاهدی بر این مدعاست. در راستای هدف این پژوهش که واکاوی پیش‌آیندها و پس‌آیندهای شکل‌گیری و تداوم خطمشی توسعه بازاری آموزش عالی در ایران بوده، در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ و در نظام آموزش عالی شهرهای تهران و اصفهان، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته از خبرگان علمی و عملی که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند انجام گرفت و نهایتاً با تحلیل مصاحبه‌ها از طریق تحلیل محتوای قراردادی، هفت پیش‌آیند خاستگاه‌ها، عوامل ساختاری-خطمشی‌ای، عوامل زمینه‌ای-فرهنگی، عوامل حرفه‌ای-تخصصی، عوامل فلسفی-وجودی، عوامل اقتصادی-بازاری و عوامل مالی-بودجه‌ای و همچنین چهار پس‌آیند کم‌جانی دانشگاه، مشکلات اجتماعی، مشکلات کارکردی و آثار و تبعات مثبت، استخراج شدند که با روش‌های اعتباریابی کیفی، صحت اعتبار آنها تأیید شد.

کلیدواژه‌ها: خطمشی‌های مبتنی بر بازار، بازاری‌سازی آموزش عالی، مدرک‌گرایی، توده‌ای شدن آموزش عالی، تورم تحصیلی

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

Moghadaspour, S., DanaeeFard, H., Fani, A., & Khaefelahi, A. (2020). **The Antecedents and Consequences of Market-Based Higher Education Policy in Iran.** *Journal of Science & Technology Policy*, 12(1), 55-72. {In Persian}. DOI: 10.22034/jstp.2020.12.1.1114

۱- مقدمه

و مشتری تغییر داده و آموزش عالی کالایی را متداول کرده است [۲]. بازاری‌سازی آموزش عالی وسیله‌ای در دست دولت‌ها برای پیشبرد اهداف خطمشی‌های رفع تکلیفی [۳] در این عرصه شده و آموزش عالی را به همان میزان که اقتصادی کرده سیاست‌زده نیز کرده است. به عبارت دیگر، بازاری‌سازی آموزش عالی در سطح جهانی نتیجه ناتوانی دولت‌ها در تحمل بار اضافی آموزش همگانی بود و آموزش عالی را از نخبه‌گرا به توده‌گرا تغییر داد و دانشجویان مصرف‌کننده صرف امروزی را پدید آورد [۴] و تا بدان‌جا پیش رفت که "مکان‌های یادگیری" دیروزی را به "سوپرمارکت‌های پر از

افزایش روزافزون هزینه‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و لزوم تأمین بودجه برنامه‌های دردست اجرای آنها از یک سو و کاهش کمک‌ها، یارانه‌ها و بودجه‌های دولتی از سوی دیگر، حاکمیت منطق بازار بر آموزش عالی را توجیه کرده و ارزش‌های دانشگاهی را متحول ساخته است [۱]؛ از این رو نفوذ پدیده بازاری‌سازی کسب‌وکار دانشگاهی، مدل رابطه دانشگاهیان و دانشجویان را به مدل ارائه‌دهنده خدمات

DOI: 10.22034/jstp.2020.12.1.1114

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: hdanaee@modares.ac.ir

سال‌های اخیر شاهد بوده‌ایم، توسعه بی‌رویه، بی‌قواره و بدون هدف در این حوزه بوده است که با سیطره روزافزون کمیت، زوال کیفیت را در پی داشته است. گسترش آموزش عالی و رشته‌هایی که وزارت علوم تحت فشارهای سیاسی و یا با بده‌بستان‌ها و به صورت نسنجیده و نامعقول مجوز می‌دهد؛ فاقد بهره‌وری و پایداری است و سیاست "بهرتر است همه درس بخوانند هر چند بی‌کیفیت" و ...، منافع و آینده آموزش عالی ما را لطمه می‌زند و چنین شده که امروز، صندلی‌های خالی و بحران هویت مؤسسات غیرانتفاعی و ترس از ورشکستگی، آنها را بر آن داشته تا با زیرپاگذاردن استانداردهای علمی بین‌المللی و تنها به هدف کسب درآمد و تأمین مالی همچون یک بنگاه اقتصادی، اقدام به جذب دانشجو با وعده‌هایی عجیب و غریب و غیرحرفه‌ای بنمایند. باید گفت که آموزش عالی ما یک نظام بی‌هویت است که خود و اهداف خود را نمی‌شناسد و برای چنین نظام بی‌هویتی فکری اساسی باید نمود [۱۲]؛ در این راستا اگر چه در باب خطمشی آموزش عالی، پژوهش‌های متعددی انجام شده؛ ولی تاکنون پیش‌آیندها و پس‌آیندهای شکل‌گیری و تداوم خطمشی توسعه بازاری آموزش عالی در ایران واکاوی نشده و لذا مهم‌ترین پرسش فرارو این است که پیش‌آیندهای این توسعه بازاری در آموزش عالی و پس‌آیندهای آن چیست؟

۲- پیشینه پژوهش

عده‌ای، بازاری‌سازی دانشگاه را با آزادی‌های علمی و وظایف سنتی نهاد مقدس دانشگاه مغایر دانسته و مخالفت خود را با استقرار تفکر بنگاهی در مراکز علمی اعلام می‌دارند و معتقدند وظیفه دانشگاه تولید دانش است، نه تولید ثروت و آموزش و پرورش و ارکان وابسته به آن را به طور سنتی و از دیرباز اموری مقدس و نماد خدمت می‌دانند تا ناشی از تفکر بازاری و کسب درآمد [۱۳]. پژوهش عباسی و همکارانش [۱۳] مویب این رویکرد است. در مقابل محمودپور و همکارانش [۱۴] و عده‌ای دیگر مدل دانشگاه به عنوان بازار و دانشجو به عنوان مشتری را پذیرفته‌اند. در این راستا لات [۱۵]، تاسکر [۱۵]، فراستخواه [۱۶] و جاودانی و همکارانش [۱۷]، نقصان آزادی دانشگاهی و نبود استقلال دانشگاه‌ها در تنوع منابع مالی‌شان و وابستگی شدید آنها به بودجه‌های

حقایق^۱ "امروزی بدل کرد [۵] و این ادعا در سراسر جهان مطرح شد که با قالب‌های ذهنی دیروزی و پریروزی نمی‌شود دانشگاه امروزی را اداره کرد و تصویری از دانشگاه فردا داشت [۶]؛ اما حتی اگر چون اسکات [۷] بپذیریم که شیوه جدید تولید دانش با "توده‌ای شدن^۲ آموزش عالی" آغاز شده، باید اذعان کرد که این الگو در ایران به صورتی ناموزون و نامتوازن اجرا شده [۸] به گونه‌ای که نزدیک به پنج برابر راهی را که در عرض بیش از ۲۰ سال و با تأسیس ۸۰ مرکز آموزش عالی پیموده بودیم به یک‌باره و در عرض ۸ سال در دولت‌های پیشین طی کرده و مراکز را به ۳۶۰ مرکز رسانده‌ایم. به راستی چه عواملی باعث شده که هاروارد، قدیمی‌ترین دانشگاه آمریکا با پیشینه ۳۸۴ ساله، تنها ۲۱ هزار دانشجو داشته باشد و فقط در دانشگاه تهران ۸۵ ساله ما بیش از ۵۵ هزار دانشجو مشغول به تحصیل باشند؟ در هاروارد برای این تعداد دانشجو، ۵۰۰۰ استاد وجود دارد که این رقم، نسبت استاد به دانشجو را بین ۴ و ۵ متغیر می‌کند و در ایران حدود نیم میلیون دانشجو تنها در حدود ۳۶۰ مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی با کمتر از ۳۰۰۰ عضو هیأت علمی تمام‌وقت و با شاخص دانشجو به استاد ۱۶۶ تحصیل می‌کنند [۹]. تنها نیم‌نگاهی به روند تحولات جاری نظام آموزش عالی ایران، حکایت از آن دارد که آموزش عالی باید ضمن توجه به بحران افزایش کمی و تنگناهای مالی، به حفظ، بهبود و ارتقاء کیفیت نیز بپردازد. شواهد گوناگون حاکی از آن است که این نظام در صورتی از عهده وظایف، اهداف، مأموریت‌ها و رسالت خود برمی‌آید که از نظر کیفیت آموزشی نیز در وضعیت مطلوبی قرارگیرد [۱۰] و هر چند نگاهی به اسناد بالادستی آموزش عالی در ایران نشان می‌دهد که در خصوص توسعه دانشگاه‌ها، گزاره‌ها و راهبردهای مطلوبی به تصویر کشیده شده است؛ اما آنچه در دو دهه اخیر در روند توسعه دانشگاه‌ها با آن مواجه بوده‌ایم یک تناقض آشکار با گزاره‌ها و راهبردهای اسناد بالادستی دارد و بیشتر بر پایه و مبانی تقاضای کاذب و مدرک‌گرایی جامعه انجام گرفته که این موضوع با باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و شعائر اخلاقی، دینی و معنوی جامعه و به ویژه جامعه دانشگاهیان در تناقض بوده [۱۱] و در واقع آنچه در باب گسترش آموزش عالی در

1- Supermarkets of facts
2- Massification

به نفع طبقات بالای جامعه گلاویه‌مندند و توسعه فساد دانشگاهی را خبر می‌دهند. گودرزی و همکارانش [۱۸] از فقدان سواد کارکردی و سرخوردگی تحصیل‌کردگان و یأس فلسفی جوانان می‌گویند و گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی [۲۹] از ناکارکردن دانشگاه ایرانی و ایستایی آن می‌گوید. پایا [۳۰] از تنک‌مایگی زیست‌بوم عقلانیت و کم‌جانی و خروج علم از دانشگاه می‌گوید و قانع‌راد [۸] از شکاف اجتماعی بین دانشگاه و جامعه خبر می‌دهد. نهایتاً از مجموعه این بررسی‌ها باید اذعان کرد که بی‌تردید نقش بازار در ارتقاء دانش و آموزش عالی کشور انکارناپذیر است. حتی بسیاری از دانشگاه‌های تراز اول دنیا هم رنگ بازاری دارند؛ اما پایبندی به معیارها و استانداردهای دانشگاهی، رمز موفقیت واقعی و نه نمادین این دانشگاه‌ها بوده است. اما آنچه در ایران مایه نگرانی شده، گسترش بی‌حد آموزش عالی بدون رعایت معیارهای دقیق دانشگاهی است.

۳- روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کیفی انجام شده؛ به باور اغلب محققان، این رویکرد به ادعای دانش^۱، از نوع تفسیری منجر می‌شود و داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های رودررو و نیمه‌ساختاریافته با نمونه ۳۰ نفری از خزانه ۷۰ نفری شناسایی‌شده جامعه پژوهش از بین متخصصان، سیاست‌گذاران، سیاست‌سازان، گشاینندگان پنجره‌های دستورگذاری^۲ و کارآفرینان خط‌مشی، مدیران سطوح کلان آموزش عالی، مدیران دانشگاهی، صاحب‌نظران و صاحبان رأی، متفکران مستقل، منتقدان، کارشناسان، سیاست‌پژوهان حوزه آموزش عالی، پژوهشگران و دانشجویان آموزش عالی، آینده‌پژوهان و کلیه ذینفعان بیرونی خدمت‌گیرنده از آموزش عالی و با ملاک دارا بودن حداقل سه اثر ملموس در کارنامه علمی و پژوهشی خود در زمینه موضوع پژوهش به صورت نمونه‌گیری هدفمند و با استفاده از روش تحلیل محتوای قراردادی^۳ [۳۱] مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ چرا که پژوهشگر به طور مستقیم با داده‌های خامی سر و کار داشت که هیچگونه تحلیلی پیرامون موضوع پژوهش بر روی آنها

دولتی را از دلایل بازاری شدن دانشگاه‌ها می‌دانند؛ علاوه بر آن فراستخواه [۱۶]، بی‌ثباتی در برنامه‌ها و عملکردها و ضعف تعاملات نهادی، نبود سنت نظری قابل دفاع در خط‌مشی‌گذاری‌ها؛ و گودرزی و همکارانش [۱۸]، عدم تنوع در منابع مالی دانشگاه‌ها و بعضاً تنوع‌بخشی‌های اشتباه، ناآگاهی از موقعیت راهبردی علم در حفظ اقتدار و توسعه همه‌جانبه کشور و جاودانی و همکارانش [۱۷]، نیز اندیشه‌های خطی و تحلیل‌های سطحی، تصدی‌گری دولتی، دیوان‌سالاری علمی، سیاست‌زدگی آموزش عالی، ناهمسویی خط‌مشی‌ها با نیازهای واقعی دانشجویان و جامعه، بی‌توجهی به ارزش ذاتی علم، ابهام ملی در فلسفه، جایگاه و مأموریت‌های آموزش عالی، واگرایی متولیان آموزشی، شتاب‌زدگی در اجرای دستورات بالا به پائین بدون پشتوانه نظری و عملی را مؤثر می‌دانند. مشرف‌جوادی و همکارانش [۱۹] بر کاهش حمایت‌های دولتی و هزینه‌های در حال افزایش دانشگاه‌ها صحنه می‌گذارند. راسکه [۲۰] و فراستخواه [۱۶] ساختارهای ایستا، وابسته، ایدئولوگ و متمرکز مشارکت‌گریز را عنوان می‌کنند. کارنامه حقیقی و اکبری [۲۱] افزایش نقش اجتماعی عوامل اکتسابی مانند تحصیلات و مهارت و دانایی را در مقابل عوامل انتسابی مطرح می‌کنند. فاتحی و همکارانش [۲۲] از تغییر نگرش جامعه به آموزش عالی به عنوان یک کالای لوکس، مصرفی و ابزاری برای تفاخر یاد می‌کنند. قارون [۲۳] از تغییر ذائقه ملی به هویت‌یابی و بازنمایی خویشتن و طمع دستیابی به مشاغل پردرآمد و رفاه اقتصادی یاد می‌کند؛ قانع‌راد و خسروخاور [۲۴] نیز با آنها در افزایش نقش ابزاری آموزش عالی برای تحرک طبقاتی و تأمین مشاغل با درآمد مناسب به عنوان سریع‌ترین مسیر تحرک اجتماعی موافق هستند. از طرفی بسیاری [۲۵] از تعدد مراکز تصمیم‌گیری و نبود سیمای اشتغال مبتنی بر برنامه‌ریزی بلندمدت و میان‌مدت که به بازاری‌سازی آموزش عالی دامن‌زده گله‌منداست و هم‌داستان با قانع‌راد [۸] و فراستخواه [۱۶] از تورم ناموزون و کنترل‌نشده در آموزش عالی و رشد کمی به دور از حداقل ضابطه معیارهای کیفی سخن می‌گوید. محدثی [۲۸] از فرمالیسم علمی و توسعه مدرک‌گرایی بی‌محتوا می‌گوید. عباسی و همکارانش [۱۳] از افزایش نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی شدن آموزش

1- Knowledge Claim
2- Policy Window
3- Conventional Approach

۴- یافته‌های پژوهش

نتیجه تحلیل محتوای پیش‌آیندها در هفت مضمون کلی عوامل ساختاری-خطمشی‌ای، عوامل زمینه‌ای-فرهنگی، عوامل حرفه‌ای-تخصصی، عوامل فلسفی-وجودی، عوامل اقتصادی-بازاری، عوامل مالی-بودجه‌ای و خاستگاه‌ها به قرار زیر قابل شرح است.

۴-۱ عوامل ساختاری-خطمشی‌ای

این مضمون، به ساختار نهادهای خطمشی‌گذار و خطمشی‌های اتخاذشده آنها برمی‌گردد که طبق یافته‌های پژوهش عبارتند از:

۴-۱-۱ ناهمسویی خطمشی‌ها

آموزش عالی ما در خطمشی‌گذاری‌های کلان خود از روش‌های شهودی و گرایشات جناحی که در قالب‌های سنتی و هیأتی بر ساختارهای دیوان‌سالار غالب شده و یا سایه انداخته‌اند، رنج می‌برد [۱۶] و اغلب، خطمشی‌های آموزش عالی با تغییر دولت‌ها، تغییر کرده و چه بسا در خلاف جهات و خنثی‌کننده هم و بعضاً در تعارض با یکدیگر باشند. در این خصوص، نمونه‌هایی از اظهارات مصاحبه‌شوندگان درباره موارد ذکرشده بدین شرح است:

"ماهیت دانشگاه مقدم بر سیاست؛ نه متأخر بر آن. در واقع، این دانشگاهه که بایستی مسیرهای کلان سیاسی را تکوین ببخشد نه اینکه سیاست، مسیرهای حرکتی دانشگاه را مشخص‌کنه". (SI67)

۴-۱-۲ ناسازواری تصمیمات

نظام آموزش عالی کشور برای رسیدن به اهداف آموزشی خود ممکن است از تصمیمات مختلفی بهره برد که بعضاً این تصمیمات سازوار نبوده، یکدیگر را خنثی کرده و یا همسو نیستند.

"بی‌ثباتی و ناپایداری در تصمیم‌گیری‌های ملی، نظام آموزش عالی ما را به تصمیمات صفر و یکی، آزمون و خطایی، لحظه‌ای و بی‌بنیه و بعضاً پارالل و همپوش رسانده و دلیل آن بی‌توجهی به مشارکت خبرگان علمی در تصمیم‌سازی‌هاست که ضعف همگرایی در نظام تصمیم‌گیری کلان آموزشی را در پی داشته است". (SI35)

۴-۱-۳ اندیشه‌های خطی

مقصود، تحلیل‌های سطحی، تصورات ساده‌انگارانه از امور و

صورت نگرفته‌بود. برای این منظور مصاحبه‌های صورت گرفته به هدف شناسایی پیش‌آیندها و پس‌آیندهای خطمشی توسعه بازاری آموزش عالی در ایران، در قالب متن استوار شد و فرآیند تحلیل محتوا در سه سطح انجام گرفت. در سطح اول، متن مصاحبه‌ها به واحدهای فکر^۱ تجزیه و برای هر یک، کدی در نظر گرفته شد. در سطح دوم واحدهای فکر، بر اساس اشتراک در مفاهیم، مقوله‌بندی شدند و در سطح سوم، مقوله‌ها مجدداً بر اساس ارتباط احتمالی، گروه‌بندی شدند تا مضامین اصلی استخراج شوند و در نهایت برای پیش‌آیندها، هفت مضمون و برای پس‌آیندها، چهار مضمون استخراج شد. لازم به ذکر است برای بررسی قابلیت‌اعتماد در فرآیند کدگذاری مصاحبه‌ها نیز از دو شاخص ثابت (پایایی بازآزمون) و تکرارپذیری (پایایی بین کدگذاران) بهره گرفته شد؛ بدین صورت که ابتدا کل واحدهای فکر در یک جدول تجمیع شد؛ سپس به طور تصادفی بر اساس رویه تحلیل محتوا در پژوهش‌های مشابه همچون پژوهش باترفیلد^۲ و همکاران [۳۲] بیست درصد از آنها را انتخاب و کدگذاری مجدد انجام گرفت. نتیجه میزان توافق با کدگذاری اصلی بر اساس محاسبه آماره کاپای کوهن، ۹۴ درصد به دست آمد. در شاخص تکرارپذیری نیز برای بررسی میزان توافق دو رتبه‌دهنده از شاخص کاپای کوهن استفاده می‌شود. در این پژوهش نیز برای کنترل مفاهیم استخراجی از مقایسه نظر پژوهشگر با یک خبره استفاده شد. هرچه مقدار شاخص کاپا به عدد یک نزدیک‌تر باشد نشان می‌دهد توافق بیشتری بین رتبه‌دهندگان وجود دارد؛ اما زمانی که مقدار کاپا به عدد صفر نزدیک باشد در آن صورت توافق کمتر بین دو رتبه‌دهنده وجود دارد [۳۳].

با استفاده از نرم‌افزار SPSS، مقدار شاخص برابر ۰/۸۷ محاسبه و با توجه به اینکه از ۰/۷ بالاتر است نشان‌دهنده توافق نزدیک کدگذاران بوده و نشان از اعتبار فرآیند کدگذاری و پایایی مناسب دارد.

جدول ۱ نمونه‌هایی از فرآیند استقرایی احصاء مضامین از واحدهای معنایی ذکرشده در بالا را نشان می‌دهد. فرآیند ذکرشده در بالا به طریقی مشابه برای نامگذاری مضامین و مقوله‌ها به کار گرفته شد.

جدول ۱) نمونه‌ای از روند استقرایی احصاء مضامین از واحدهای فکر با مضمون "کم‌جانی دانشگاهی"

مقولات	عبارت‌های کوتاه	واحدهای فکر و کد آنها
---	<ul style="list-style-type: none"> - رشد بی‌رویه، بی‌حساب و کتاب و بدقواره آموزش عالی - رشد مدرک‌فروشی - تولید انبوه دانش‌آموختگان کم‌سواد و صرفاً خریدار مدرک - رواج مدرک‌گرایی - فرآیندهای صوری آموزشی - منسک‌گرایی دانشگاهی - تحصیلات بی‌محتوا - تخصص‌های واهی و متخصص‌های متواهن 	<ul style="list-style-type: none"> - ظهور پدیده فزاینده و رو به رشد مدرک‌گرایی، یکی از کارکردهای غیرتوسعه‌ای توسعه بی‌رویه و بدقواره آموزش عالی (S102) - با پولی شدن تحصیلات و ارائه انبوه دانش‌آموختگان توسط دانشگاه‌های تجاری‌شده به جامعه، مدرک‌گرایی بیش از پیش رواج یافته و اخذ مدرک به خاطر صرف مدرک به هدف ناگفته اما همگانی بدل شده. در حال حاضر، کلیه فرآیندهای موجود در دانشگاه‌های کشور در حال صوری شدن و مناسکی‌شدن؛ بدین معنا که فرآیندهای آموزشی در دانشگاه‌های کشور وجود دارد و کم و بیش دنبال می‌شود اما عملاً عاری از محتوا (S76) - سیاست علمی کشور، دیوان‌سالار و ظاهرگراست (S6) - آموزش عالی ما ابداً کارآفرین و متخصص‌پرور نیست (S69) - با تجاری‌شدن آموزش که در ایران هم مثل بعضی کشورهای در حال توسعه، تحت تأثیر "ایدئولوژی بازار" شکل گرفته؛ دانشجو "کالایی اقتصادی" دیده می‌شود که هر قدر آورده مالی‌اش بیشتر و هزینه خروجهش از دانشگاه کمتر، برای واحد دانشگاهی مطلوب‌تر (S59)
ریاکاری پژوهشی	<ul style="list-style-type: none"> - فخرفروشی روشی - پژوهش‌های تزئینی - نظریه‌های بی‌حاصل 	<ul style="list-style-type: none"> - اکثر پژوهش‌هایی که خصوصاً در حوزه علوم انسانی انجام می‌شود نه برای کاربرد و استفاده عینی و ملموس در عرصه عمل، که برای خالی نبودن عریضه از فعالیت‌های پژوهشی و پز دادنه و تنها حالت تزئینی دارد. اگر هم خیلی پژوهش‌های خوبی باشند تنها در حد نظریه باقی می‌مانند (S98)
خروج علم از دانشگاه	<ul style="list-style-type: none"> - تنک‌مایگی زیست‌بوم عقلانیت - پیکر علم بی‌مق - غیبت دانشگاه در حل مسائل - بی‌تحرکی دانشگاه - ناتوانی در تولید علم و گسترش مرزهای دانش - ابتدال و افت کیفی 	<ul style="list-style-type: none"> - تنک‌مایگی زیست‌بوم عقلانیت، منجر به آن شده که معرفت از رشد موزون بازمانده و پیکر رنجور آنچه علم نام دارد، روز به روز بی‌مق‌تر و رنجورتر شده. در واقع، دانشگاه ما نقشی در حل مسائل مبتلابه کشور ندارد و یا اینکه نقش ناچیزی دارد و باید اذعان داشت ترکیبی از نظام تأمین مالی دانشگاه، فقدان ارزیابی و ارزشیابی مؤثر دانشگاه‌ها، سیاست علمی کشور که بیشتر دیوان‌سالار و ظاهرگراست و... ترکیب بسیار مؤثری خلق کرده که کنشگران دانشگاهی را بی‌تحرک و کم‌جان ساخته و مردگی ممد حیات این دانشگاه شده (S109) - آموزش‌های دانشگاهی ما از پرورش توانایی ساخت دانش درمانده‌اند و گرچه تولید دانش (نظری)، یکی از مهم‌ترین کارکردهای آموزش عالی و زیربنای خلاقیت، نوآوری و شناخت و توسعه علوم است؛ اما به خاطر فروش بی‌رویه و پرحجم آموزش، فرآیند آموزش به درستی دنبال نشده و کیفیت آموزش و پژوهش به نحو عجیبی تنزل یافته (S157)
چگالی رقیق کنش‌های علمی	<ul style="list-style-type: none"> - سوءرفتارهای کنشگران علم - تحت تأثیر سیاست‌های غلط - بی‌تفاوتی‌های تخصصی - سایه‌نشینان نگاه‌های حرفه‌ای - تولد بی‌هویت کنشگر مرده 	<ul style="list-style-type: none"> - چگالی کنش‌های علمی فعالانه در اجتماعات علمی بی‌نهایت رقیق و گاه حتی توأم با بی‌تفاوتی محضه (S56) - دل‌مشغولی اصلی کنشگران، فقط نگارش هرچه زودتر پایان‌نامه‌هایی شده که دانشجویان‌شان صاحبان علائق علمی در آن زمینه نبوده و استادان‌شان هم بیش از محتوای پایان‌نامه‌ها، به داستان ارتقاء خود می‌اندیشند (S181) - دانشجویی که تحت فشار زمان برای خروج سریع‌تر و جاباز کردن برای ورود مشتریان جدید، کم‌کاری‌های خود و استاد راهنمایش، فرآیندهای ظاهری آموزشی و روال‌های صوری علمی و... خود به نیکی می‌داند که پایان‌نامه‌اش هیچ اندوخته‌ای برایش دربر ندارد و بر هویت علمی‌اش کوچکترین چیزی نمی‌افزاید. استاد راهنما، مشاور و داورانش هم می‌دانند؛ در توافقی قراردادی بین همه کنشگران، مراسم دفاعیه‌اش با دقت و جزئیات کامل در میان تشویق‌ها، تمجیدها و نقدهای غالباً بی‌ثمر و تعارفات پرتکلف برگزار می‌شود و کنشگر دیگری، مرده زاده می‌شود بی‌هویت و بدون هیچ برنامه پژوهشی مشخصی " (S192)

خطی دیدن مسائل است. وجود ندارد. نظام آموزش عالی مستقلاً راه خود را می‌رود و دانش خود را تولید می‌کند؛ سایر نظام‌ها هم هر یک به طور جزیره‌ای نیازهایشان را بر اساس تقاضای داخلی و خارجی برآورده می‌کنند [۳۴].

"دانشگاه، آموزش را عمدتاً به افراد می‌فروشد؛ نه به صنعت و اشخاص حقوقی. پس عملاً پیوندی اندام‌وار (ارگانیک) هم بین دانشگاه و دیگر بخش‌های جامعه وجود ندارد و این یعنی دانشگاه به سفارش سازمان‌ها و صنعت، متخصص تربیت

"جهانی شدن آموزش عالی به صورت یک رویکرد غالب و ظهور دانشگاه‌های نسل جدید، دست‌اندرکاران آموزش عالی را نیازمند نگرشی کرده که به جای ساده‌سازی و تقلیل‌گرایی امور، به درک و فهم مسائل، برای تبیین، پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های آموزش عالی بپردازند." (S38)

۴-۱-۴ ضعف تعاملاتی

روابط سازمان‌یافته‌ای بین نظام علمی کشور و سایر نظام‌ها

نمی‌کنه". (S17)

۴-۱-۵ تمرکزات ساختاری

راسکه [۲۰] در مقایسه ابرانگاره‌های سنتی و جدید آموزش عالی، عقیده دارد که دانشگاه سنتی، نهادی و متمرکز است؛ در حالی که دانشگاه جدید به سوی تمرکززدایی و شخصی شدن حرکت می‌کند.

"مدل خط‌مشی‌گذاری در آموزش عالی ما بیش از اینکه از سپهر دانش اجتماعی و پژوهش‌های مستقل میدانی و مدل‌های تبیین و توضیح علمی و عملی نشأت بگیرد، برآمده از ساختارهای ایستا، وابسته، بوروکرات، متمرکز، ایدئولوگ، سلسله‌مراتبی و تحت کنترل حاکمیت". (S119)

۴-۱-۶ فقر زیرساختی

خط‌مشی‌های عمومی نوعی مداخله در حیطه منابع و اختیارات و حقوق ذینفعان اجتماعی است و منافع شهروندان و گروه‌های اجتماعی و حتی نسل‌های آتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ پس نه تنها باید دلایل هنجاری و اخلاقی کافی و رضایت‌بخش و مشروعیت و زیرساخت لازم برای این کار خطیر وجود داشته باشد که اهداف خط‌مشی‌ای را باید بر مبنای مدل علی توجیه کرد [۱۶].

"زیرساخت‌های حقوقی و استخدامی موجد توسعه کمی صرف و نه بر اساس توان فنی از یک طرف و ضعف تنظیم‌گر و نبود نظارت بر بخش غیردولتی و خصوصی از طرف دیگر، همچنین فقدان نظام استانداردها و نبود نظام آماری و زیرساخت‌های اطلاعاتی و تکنولوژیکی، ظرفیت پیش‌بینی رفتار واقعی کنشگران حوزه آموزش عالی را تحت تأثیر قرار داده". (S48)

۴-۱-۷ تصدی دولتی

مقصود، تفکر قیمومتی و پدرمآبانه دولتی و حکم‌روایی حاکمیتی در عرصه آموزش عالی است.

"دانشگاه‌های ما عمدتاً دولتی‌اند و استقلال لازم را در عمل ندارند و از طرفی تولید علم در ایران یک حالت اداری و دیوان‌سالارانه پیدا کرده؛ که حتی جماعت‌های علمی هم در آن قدرت تصمیم‌گیری ندارند. بنابراین کسی نیست که بخواهد در این‌باره تصمیمی جدی بگیرد". (S82)

۴-۱-۸ بی‌ثباتی اجرایی

تغییر پی‌درپی مدیران با دیدگاه‌ها و عملکردهای متعارض و

بکارگیری شیوه‌های متنوع و بعضاً شخصی در اجرای اسناد بالادست و سیاست‌های کلان آموزش عالی مرتبط با بازاری‌سازی آموزش و پژوهش، فراوان مشاهده می‌شود [۱۳].

"بی‌اعتقادی مجریان به خط‌مشی‌های کلان و بی‌ثباتی آنها در مناصب اجرایی و برنامه‌ریزی‌هایشان و عملکردهای گاه‌وبی‌گاه سلیقه‌ای آنها مانع از تحقق روح واقعی حاکم بر خط‌مشی‌های کلان می‌شود". (S99)

۴-۲ عوامل زمینه‌ای-فرهنگی

مقصود از این مفهوم، تمامی شرایط و عوامل خارج از نظام آموزش عالی است. در واقع تغییرات روزافزون جغرافیایی-سیاسی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی و فناورانه که بر کل جهان تأثیر گذاشته‌اند و دانشگاه‌ها را نیز فراگرفته‌اند و با عوامل زیر به طور عملیاتی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۴-۲-۱ تغییرات محیطی دائمی

دانشگاه به عنوان نهاد آموزش عالی، یک واقعیت در حال تغییر است؛ از سوی دیگر ماهیت جامعه دانشجویی نیز در حال تغییر است و علاوه بر روندهای معمول، دانشجویان بیشتری از گروه‌های سنی متفاوت و با نیازها و شرایط متفاوت در این فرآیند وارد می‌شوند و این مهم ساختار آموزش و شیوه اعمال آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۳۵].

"تحول در آموزش عالی و به تبع آن در اندیشه‌های زیربنایی دانشگاه، امری اجتناب‌ناپذیره. به همین دلیل که جوامع صنعتی و یا نیمه‌صنعتی در تلاش‌اند تا آموزش عالی‌شان را مجدداً سازمان‌دهند و آن را برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های واقعی مردم و جامعه آماده‌کنند". (S101)

۴-۲-۲ تغییرات نگرشی

امروزه آموزش عالی در فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد، با پدیده رشد سریع فناوری‌های اطلاعات و تغییر نگرش به این حوزه و بالتبع افزایش تقاضا برای ورود به خود روبرو شده است.

"افزایش نقش اجتماعی عوامل اکتسابی همچون تحصیلات، مهارت‌ها، دانش و دانایی در برابر عوامل انتسابی و افزایش نقش ابزاری آموزش عالی برای تحرک طبقاتی، تأمین مشاغل و درآمد مناسب باعث رشد نگرش به آموزش عالی به عنوان سریع‌ترین مسیر تحرک اجتماعی شده". (S116)

۴-۲-۳ تغییرات مفهومی

تقاضای اجتماعی تا حد زیادی از سایر کارکردها از جمله توسعه دانش جدید و پرورش نیروی انسانی پژوهشگر مورد نیاز بخش‌های مختلف کشور باز بماند". (S96)

۴-۳-۲ فقر تفهیمی

مقصود، فقر مفهوم‌سازی در زمینه فهم و درک واقعی از آموزش عالی است.

"آموزش عالی ما به دلیل بی‌توجهی‌های ملی به ارزش ذاتی علم، نبود درک درست از آموزش و عدم شناخت صحیح از مفهوم و کارکرد آن، ضعف در پرورش تقاضای علم ناب داشته و داره و برای همینه که به صورت گلخانه‌ای و بدون توجه به زیست‌بوم علم رشد و توسعه یافته". (S113)

۴-۳-۳ ضعف فرآیندی

بی‌توجهی به فرآیندها و تمرکز صرف بر محصول نهایی، در ناکارآمدی نظام آموزش عالی، مؤثر افتاده است.

"توجه به فرآیند در آموزش عالی، یعنی توجه به سازوکارهای رسیدن به شرایط مطلوب؛ یعنی استانداردهای کیفیت که برون‌داد آن پرورش نیروی انسانی مؤثر و خلاق در امر توسعه است اما متأسفانه آموزش عالی ما فاقد چنین نگاه فرآیند محوریه". (S125)

۴-۳-۴ فقر سیستمی

همواره مشکل، فقدان سیستمی مؤثر و کارآمد بوده است. امروزه این ایده که آموزش "به یک‌اندازه و به یک شکل برای همه" ارائه شود نیازهای ذینفعان مختلف را برآورده نمی‌سازد. فقط در سیستم‌های سنتی آموزش، تعداد زیادی از افراد با صلاحیت‌های یکسان پرورش داده می‌شود! در حالی که در بازار کار حرفه‌ای، افراد مختلفی با مهارت‌های مختلف و دانش متفاوت مورد نیاز است.

"فقدان سیستم‌های بسیاری در این عرصه از جمله نظام ملی نوآوری، نظام ملی کارآفرینی، نظام تعاملات علمی ملی و بین‌المللی، انجمن‌های علمی، تخصصی و نهادهای حرفه‌ای دارای قدرت مرجعیت و ذی‌نفوذ و شاید از همه مهم‌تر نبود نهاد ملی ارزشیابی و اعتبارسنجی آموزش عالی مشتکی نشانه خروارهاست". (S63)

۴-۳-۵ حکمت افتراقی

مقصود، گسست و افتراق بین حکمت نظری و عملی، بین بایدها و هست‌ها است.

امروزه مدارک دانشگاهی رابطه خود را با منافع مستقیم اقتصادی از دست داده‌اند و در اغلب اوقات تبدیل به سرمایه‌ای نمادین برای افرادی که می‌خواهند از آثار جانبی آن بهره ببرند شده‌اند و متأسفانه با شرایط موجود، نظام دانشگاهی ایران هم نمی‌تواند به منش (اخلاق) و کنش علمی (تولید علم اصیل) ارزش دهد؛ به دلیل آن‌که از مسیر ارزیابی دانشگاهی منحرف شده و صرفاً اداری عمل می‌کند.

"نگرش جامعه به آموزش عالی، کالای لوکس، مصرفی، ابزاری و وسیله‌ای برای تفاخر به هم‌نوع شده". (S119)

۴-۳-۶ عوامل حرفه‌ای-تخصصی

این مضمون اشعار به آن دارد که امروزه بسیار شاهد آنیم که افراد باسواد، آگاه، متخصص، اساتید دانشگاهی و صاحب‌نظران و خبرگان علمی و عملی، نسبت به کشور و آینده آن در بی‌تفاوتی محض‌اند؛ به عبارتی شاهد سکوت باورمندان متخصص و آگاه و به حاشیه رانده شدن دلسوزان حقیقی نظام هستیم. این عوامل با ابعاد زیر به طور عملیاتی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۴-۳-۱ بی‌تناسبی‌های کارکردی

مقصود، فقدان توازن و توجه هم‌زمان به کارکردهای آموزش عالی شامل آموزش، پژوهش و خدمات پژوهشی است. با توجه به کارکردهای سه‌گانه آموزش عالی شامل تولید علم، انتقال و انتشار علم و فراهم کردن زمینه بکارگیری آن یا به تعبیری، ایجاد و اشاعه فناوری، به نظر برخی صاحب‌نظران، ایران در حوزه سه کارکرد مذکور، حرکت یکسانی نداشته و در مواردی با پیشرفت و سرعت به نسبت بالا و در موارد دیگر با کندی حرکت روبرو بوده؛ به طوری که گفته می‌شود نظام آموزش عالی ایران از دو خط‌مشی تولید علم (پژوهش) و بکارگیری علم در جامعه (فناوری) بسیار دور افتاده و تنها به انتقال علم در قالب گسترش آموزش با افزایش بیش از حد پذیرش و تربیت دانشجو تأکید کرده است [۳۶].

"روند توسعه کمی، کم‌کم اهداف و کارویژه‌های اصلی و اساسی آموزش عالی را به دست فراموشی سپرده. تقاضای رو به افزایش برای ورود به آموزش عالی خصوصاً آموزش عالی خصوصی و غیردولتی موجب رشد و گسترش بی‌رویه و بی‌برنامه دانشگاه‌ها و کاهش کیفیت آموزش شده و نظام آموزش عالی را ناگزیر کرده برای برآوردن این حجم از

سپرده شده و یا حالتی دست دوم یافته". (SI14)

۴-۳-۳ ابهامات الگویی

آشفته‌گی عملی برخاسته از آشفته‌گی نظری، نداشتن الگو و گریز از محصولات نظری؛ مهم‌ترین مشکل کنونی نظام آموزش عالی است [۱۲] و بدین روی است که در الگوی گسترش آموزش عالی کشور ابهام ملی وجود دارد و نتیجه آن در گذر زمان این شده است که بسیاری از کنشگران علمی اعم از استاد و دانشجو نه دل‌مشغول نظریه‌اند و نه نگران تحولات اجتماعی-سیاسی-اقتصادی و دگرگونی‌های علمی [۳۷].

"آموزش عالی ما با روند کنونی رشد کمی و به سبب نبود الگو و مدل مفهومی مناسب برای پایش و ارزشیابی، رهسپار آینده به غایت نگران‌کننده‌ایه، آینده‌ای که در آن الگویی مؤثر و مناسب برای ارزیابی آموزش عالی و هیچگونه تضمینی برای استقرار و نگهداری کیفیت آن وجود ندارد. (SI13)

۴-۵-۴ عوامل اقتصادی-بازاری

مقصود از این مفهوم، سلطه تجارت و عوامل بازار بر نظام آموزش عالی و همسویی دانشگاه‌ها با تقاضاهای ابزارگرایانه بازار است و به لحاظ عملیاتی این عوامل با ابعاد زیر مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۴-۵-۱ نگاه کالایی

با تغییر شکل دانشگاه از مکان ارزش‌های علمی و تحقیقاتی به بازاری برای کسب درآمد، علم صرفاً به کالایی کمی تقلیل یافته و در پی آن محصولات علمی نیز در بازارهای سیاه دانشگاهی، خرید و فروش می‌شود.

"با تجاری‌شدن آموزش، که در ایران هم مثل برخی کشورهای در حال توسعه، تحت تأثیر «ایدئولوژی بازار» شکل گرفته، دانشجو به عنوان «کالایی اقتصادی» دیده می‌شود که هر قدر آورده مالی‌اش بیشتر و هزینه خروجش از دانشگاه کمتر بشود، برای واحد دانشگاهی مطلوب‌تره". (SI152)

۴-۵-۲ جنون کمیت

باید اذعان نمود که به رغم شعارهای دینی، اخلاقی و معنوی در حوزه آموزش عالی و آموزش و پرورش، آنچه به روشنی شاهد آن هستیم سلطه نگاه کمی‌نگر، مادی، اقتصادی، تجاری و حتی بازاری بر این بخش مهم و آینده‌ساز کشور می‌باشد. " احتمالاً کمتر کشوری به این حد خود را به چنین رویکرد

"از میان منابعی که برای خط‌مشی‌گذاری موفق ذکر می‌کنند به عامل عقلانیت و اتکاء به پشتوانه‌های علمی در سیاست‌گذاری تأکید جدی شده اما خط‌مشی‌های آموزش عالی در سال‌های اخیر، در مجموع از منطق موجه و پایداری پیروی نمی‌کنند و فاقد ویژگی‌های بایسته‌ای بوده‌اند که معمولاً از یک نظام سیاسی انتظار می‌رود. ویژگی‌هایی مانند سنت نظری قابل دفاع، نیکویی برازش سیاست‌ها و ...". (SI121)

۴-۳-۶ فقر هویتی

ظهور پدیده فزاینده و رو به رشد مدرک‌گرایی، از کارکردهای غیرتوسعه‌ای توسعه بی‌رویه و بدقواره آموزش عالی است که به بحران هویت مؤسسات آموزش عالی منجر شده است [۱۶]. "موضوع گسترش بی‌رویه، بی‌قواره و بدون هدف آموزش عالی طی سال‌های اخیر توجیهاتی در بین موافقان و مخالفانش داشته اما مسئله‌ای که امروز روی میز تصمیم‌گیران این حوزه هست، بحث صندلی‌های خالی و بحران هویت مؤسسات غیرانتفاعی و مؤسساتی که هفت هشت سال گذشته تأسیس و اکنون در شرف ورشکستگی‌اند، برخی‌ها هم که دولتی‌اند از این بابت که آیا با استانداردهای علمی بین‌المللی مطابقت دارند یا نه، دچار یک بحران هویت هستند". (S85)

۴-۴ عوامل فلسفی-وجودی

اشاره به دسته‌ای از عوامل دارد که به ماهیت وجودی و فلسفه مبنایی، چپستی، چرایی و چگونگی آموزش عالی می‌پردازند و طبق یافته‌های پژوهش با ابعاد زیر به طور عملیاتی سنجش می‌پذیرد.

۴-۴-۱ ابهامات فلسفی

منظور، وجود دیدگاه‌های ناصحیح به فلسفه آموزش عالی و جایگاه آن در کشور است. "آموزش عالی در کشور ما ذاتی وارداتی دارد و از همان بدو تشکیل به صورت برنامه‌ریزی‌شده برای حل مشکلات صنعتی و پیشبرد توسعه اقتصادی طراحی نشده". (SI123)

۴-۴-۲ ابهامات پوزیشنی

این مقوله اشاره دارد که در جایگاه، مأموریت‌ها و اختیارات نظام آموزش عالی در توسعه کشور، ابهام ملی وجود دارد. "در حال حاضر، نهادهای مختلفی به طور موازی به انجام مأموریت‌های آموزش عالی کشور مبادرت می‌ورزند و گویا عملاً جایگاه و شأن و اختیارات این نظام به دست فراموشی

۴-۶-۳ حمایت‌های دولتی

کاهش حمایت‌های دولتی و هزینه‌های در حال افزایش، دانشگاه‌ها را وادار ساخته تا اقدامات غیرمعمولی برای عرضه خدمات بیشتر با منابع کمتر به عمل آورند [۱۹].

"علی‌رغم افزایش چشم‌گیر دانشجویان، تأمین و اختصاص بودجه به دانشگاه‌ها، افزایش چشم‌گیری نداشته". (S7)

۴-۶-۴ تنوعات منبعی

با تأمل در وضعیت موجود دانشگاه‌های کشور پرواضح است که اعتبارات موجود دولت در بخش آموزش عالی جوابگوی نیازهای مختلف دانشگاه‌ها نیست و هر مؤسسه علمی-پژوهشی خارج و یا داخل این حلقه، ناچار است که در آینده نزدیک به سوی استقلال مالی حرکت کند [۱۸].

"دانشگاه‌ها بدون تنوع منابع مالی و اعتباری و در عین حال وابستگی شدیدی که به بودجه دولتی دارند، نمی‌توانند گوهر استقلال و آزادی علمی خود را صیانت کنند. تأمین زیاده از حد دانشگاه‌ها از طریق بودجه دولتی، مهم‌ترین مانع تحقق آزادی علمی آنها است". (S12)

۴-۷-۱ خاستگاه‌ها

مقصود، ریشه‌های شکل‌گیری تفکر و اقدام عملی در خصوص بنیان توسعه بازاری آموزش عالی در ایران است. یافته‌های پژوهش حاضر عوامل زیر را نشان می‌دهد.

۴-۷-۱-۱ نظریه آقای هاشمی و دوستان ایشان

نقش بی‌بدیل هاشمی رفسنجانی از بنیان‌گذاران دانشگاه آزاد اسلامی را در کنار دوستان هم‌فکر و هم‌عقیده‌اش چون عبدالله جاسبی در شکل‌گیری تفکر و ایده راه‌اندازی دانشگاه آزاد و توسعه کمی و بازاری آموزش عالی نمی‌توان نادیده انگاشت.

"در سال‌های اولیه انقلاب، وضع بودجه کشور به گونه‌ای نبود که بتواند دانشگاه‌های دولتی را توسعه دهد و افراد ندرتا از سد کنکور گذشته و به دانشگاه راه می‌یافتند؛ آنهم خورده بود به انقلاب فرهنگی و تعطیل شده بود. اینجا بود که دو سال پس از بازگشایی مجدد دانشگاه‌های دولتی با طرح پیشنهادی که در حزب مرکزی جمهوری اسلامی و جامعه اسلامی دانشگاهیان انجام گرفته بود و پیگیری شخص آقای هاشمی به عنوان رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و جلب نظر شورای اقتصاد؛ تصمیم بر آن شد تا دانشگاهی ایجاد شود که مردم بخشی از هزینه‌های آن را بپردازند". (S171)

مادی و کمی سپرده. جویری که در بین دانشگاه‌ها از این نظر، مسابقه راه‌افتاده. ایجاد و گسترش بی‌رویه پردیس‌ها و پذیرش دانشجویان پولی، دانشجویان را به مشتری و استادان را به کارمند و فروشنده تبدیل کرده. دانشگاه اگر چه کارکرد اقتصادی خود را دارد اما باید نگرش علمی، دانشی و فرهنگی (فرهنگ به معنای عام آن) بر آن حاکم باشد". (S172)

۴-۵-۳ بنگاه اقتصادی

با نفوذ اقتصاد جهانی در آموزش عالی، دانشگاه‌ها از یک نهاد عمومی در خدمت جامعه به یک نهاد خصوصی در خدمت بازار و تولید سود، نزدیک و با جهت‌گیری به سمت سرمایه دانشگاهی به یک بنگاه دانش تبدیل شدند [۳۸].

"مدت‌هاست بنگاه‌داری دانشگاهی از طریق فروش آموزش به افراد، سایر منابع مالی را تحت الشعاع قرار داده". (S9)

۴-۶-۲ عوامل مالی-بودجه‌ای

از آنجا که هرچه متغیرهای اثرگذار در برنامه‌ریزی‌ها دقیق‌تر مشخص گردند انحراف از برنامه کاهش می‌یابد؛ در برنامه‌ریزی‌های آموزشی نیز باید به عوامل بودجه‌ای، محدودیت منابع مالی، لزوم انتخاب اولویت‌ها و هزینه‌های غیرمتعارف توجه کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این عوامل از طریق ابعاد زیر به طور عملیاتی سنجیده می‌شود.

۴-۶-۱ وابستگی‌های مالی

وابستگی بیش از اندازه دانشگاه‌ها به بودجه‌های سرانه و محدود دولتی و تأمین آن با چانه‌زنی سیاسی، زمینه‌های رقابت بر سر کیفیت را از بین می‌برد [۱۷].

"وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه‌های دولتی، در دنیای رقابتی امروز که به صورت مداوم، محدودیت منابع به منزله یک مشکل اساسی خود را نشان می‌دهند، خطر بزرگی برای آینده دانشگاه‌ها و آزادی علمی آنها است". (S110)

۴-۶-۲ ناعدالتی‌های توزیعی

مقصود، فقدان عدالت توزیعی و تخصیص ناکافی منابع مالی به زیرنظام‌های آموزش عالی است [۱۷].

"بی‌توجهی به رشد متوازن تمامی نظام‌ها و زیرنظام‌ها و فقدان توزیع متناسب منابع مالی کارآمد به بخش‌های مختلف جامعه باعث شده ما در عرصه آموزش عالی، توزیعی غیرهمگن با سایر بخش‌های جامعه خود و به تبع آن حتی با جامعه جهانی داشته باشیم". (S83)

۴-۷-۲ درس‌آموزی غلط از سایر کشورها

اقتباس‌های غلط از هند، مالزی، اندونزی، فیلیپین و حتی کشورهای اروپایی، نمونه‌هایی از درس‌آموزی‌های غلط و الگوبرداری‌های ناقص ما در گذر این سال‌ها بوده‌اند.

"داستان از یک تقلید ناقص و کورکورانه از چیزی تحت عنوان *Open University* در غرب آغاز شد؛ آقایان رفتند و دیدند که در غرب چیزی به نام دانشگاه آزاد وجود دارد؛ خواستند آن را اینجا هم پیاده کنند اما پوسته را دیدند و محتوا را ندیدند. آنچه در غرب تحت این نام وجود دارد ابدان برای مدرک‌دهی که صرفاً برای تعلیم و مهارت‌آموزی بود؛ نه مدرک‌فروشی و مدرک‌گرایی." (S18)

۴-۷-۳ دیدگاه‌های مسئولین وقت

ترس از مواجهه فرزندان ملت با اندیشه‌های اومانیستی غرب و تأثیرپذیری از آنها خصوصاً در سال‌های اولیه انقلاب، مانع خروج جویندگان علم از کشور می‌شد و یا بعضاً تمایلی در این خصوص نبود. آن میزان تمایل اندک نیز که احیاناً وجود داشت مسئولین و برنامه‌ریزان کشور به دلیل خروج ارز خصوصاً در آن اوضاع بودجه‌ای آن زمان برنمی‌تافتند.

"راضی نگه‌داشتن مردم که فرزندشان دیگر لازم نیست که برای درس خواندن و ادامه تحصیل با صرف هزینه و خروج ارز از کشور به ممالکی با فرهنگ‌های منحط غربی برود؛ از مبانی تصمیم‌گیری آن برهه بود." (S115)

۴-۷-۴ حرکات پوپولیستی دولت‌ها

مقصود، حرکات عوام‌فریبانه دولت‌ها در جلب توجه و حمایت از اقشار محروم و طبقات پائین جامعه می‌باشد.

"در ایران حدود نیم‌میلیون دانشجو تنها در ۳۵۰ تا ۳۶۰ مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی با کمتر از ۳۰۰۰ هیأت‌علمی تمام‌وقت و با شاخص دانشجو به استاد ۱۶۶ تحصیل می‌کنند و عمده این وضعیت به تقابل احمدی‌نژاد و تیم او با هاشمی و دوستانش از طریق گسترش واحدهای ارزان‌قیمت پیام نور و علمی-کاربردی در مقابل دانشگاه آزاد گران‌قیمت آقای هاشمی باز می‌گردد و نتیجه آن خوشحالی قشر ضعیف مردم عادی و عامه... (S110)"

۴-۷-۵ فشار نمایندگان مجلس و ارجحیت منافع منطقه‌ای

بر منافع ملی

خط‌مشی‌گذاری و تعیین خط‌مشی‌های دولتی به دلیل ماهیت

پیچیده مسائل عمومی، نیازمند ابزارها و روش‌های علمی است؛ اما متأسفانه مشاهده می‌شود که انگیزه‌های اصلی این توسعه‌های بی‌رویه در آموزش عالی عمدتاً علمی نبوده و بیشتر اقتصادی و سیاسی است.

"با نیم‌نگاهی به نظریه انتخاب عمومی، دولت‌ها و نمایندگان توسط ذینفعانی که از آنان حمایت می‌کنند، رشد پیدا کرده و آنها هم با هدف جمع‌آوری آراء بیشتر اقداماتی در راستای تأمین خواست ذینفعان انجام می‌دهند. سیاست‌مداران در راستای ادامه راه و مسیر و بقاء خود یا قدرت سیاسی‌شان، آموزش عالی را هم در تصمیماتشان لحاظ می‌کنند ولو مغایر با منافع ملی و آمایش سرزمینی." (S154)

۴-۷-۶ فشار جامعه متقاضی

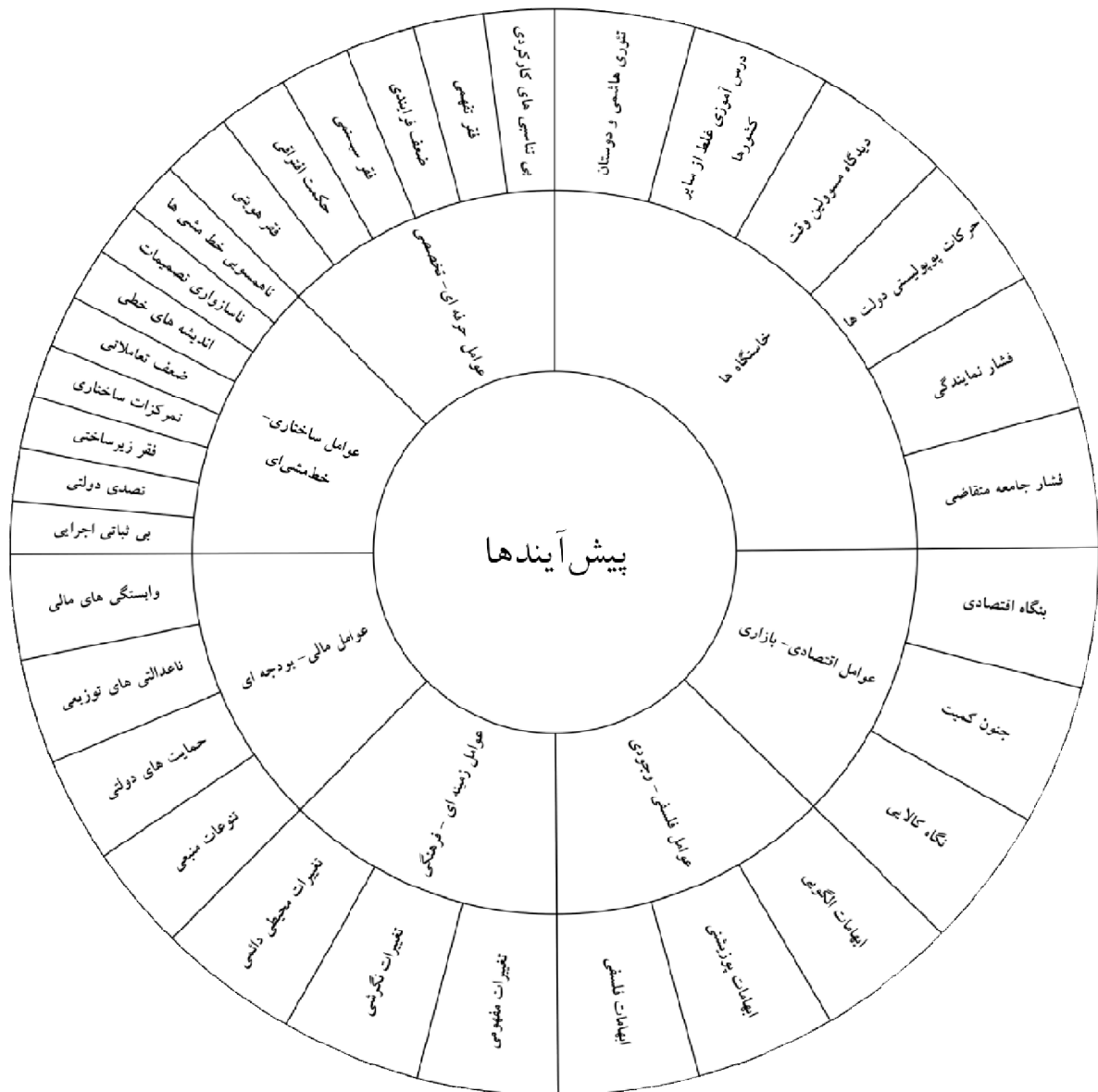
با رشد فزاینده جمعیت کشور که بر اساس خط‌مشی‌ها و رهنمودهای آن‌زمان دولت‌مردان وقت صورت پذیرفته بود، جامعه با خیل جوانان دیپلمه و آماده به کار و اشتغال مواجه شد که مشغولیت دولت در آن زمان به مسائل استقرار ارکان اولیه نظام و نیز درگیری در جنگ تحمیلی، مانع از اهتمام لازم برای حل این مسئله به تازه ظهور و بروز یافته شده بود.

"تغییر هرم جمعیتی و افزایش تقاضا برای تحصیلات عالی، دولت‌مردان را برآن داشت تا عرضه را زیادکنند و درکنار آن مقررشد تا دانشگاه‌ها خودکفا باشند؛ در نتیجه این باور به وجود آمد که ما باید همه چیز را خود عرضه کنیم و با این تفکر، دانشگاه‌ها شروع به جذب دانشجو حتی در مقطع دکتری کردند." (S111)

به طور کلی پیش‌آیندهای مؤثر بر شکل‌گیری خط‌مشی توسعه بازاری آموزش عالی در ایران در شکل ۱ قابل رویت است. نتیجه تحلیل محتوای پس‌آیندها نیز با چهار مقوله کم‌جانی دانشگاه، مشکلات کارکردی، مشکلات اجتماعی و آثار و تبعات مثبت به قرار زیر قابل شرح است.

۴-۸ کم‌جانی دانشگاه

تنک‌مایگی زیست‌بوم عقلانیت، منجر به آن شده که معرفت از رشد موزون بازماند و پیکر رنجور آنچه که علم نام دارد، روز به روز بی‌رهم‌تر و رنجورتر شود. در واقع، دانشگاه ما نقشی در حل مسائل مبتلابه کشور ندارد و یا نقش ناچیزی دارد و باید اذعان داشت ترکیبی از نظام تأمین مالی دانشگاه، فقدان ارزیابی و ارزشیابی مؤثر در دانشگاه‌ها، خط‌مشی علمی کشور



شکل ۱) پیش‌آیندهای شکل‌گیری خط‌مشی توسعه بازاری آموزش عالی در ایران

صوری‌سازی‌ها در فرآیندهای آموزشی باعث شده متأسفانه امروزه شاهد آن باشیم که از قبل کسب منزلت اجتماعی دانشگاهی با پول و تقلب، تولید علم نداشته باشیم". (S78)

۴-۸-۲ ریاکاری پژوهشی

اکثر پژوهش‌هایی که خصوصاً در حوزه علوم انسانی انجام می‌شود نه برای کاربرد و استفاده عینی و ملموس از آن در عرصه عمل، بلکه برای خالی‌نبودن عریضه از فعالیت‌های پژوهشی و پز دادن آن است. اگر هم خیلی پژوهش‌های خوبی باشند، تنها در حد نظریه باقی‌می‌مانند [۱۳].

"در برخی حوزه‌های مطالعاتی علوم انسانی هدف از انجام پژوهش، نشان‌دادن تعداد مقاله‌هاست؛ نه پیوند روحی با یافته‌ها، به عبارت دیگر نوعی ریاکاری پژوهشی در برخی

که بیشتر دیوان‌سالار و ظاهرگراست و ... ترکیب بسیار مؤثری خلق کرده که کنشگران دانشگاهی را بی‌تحرک و کم‌جان ساخته و مردگی، ممد حیات آن شده است [۳۷]؛ طبق یافته‌های پژوهش ابعاد زیر این مضمون را شکل می‌دهند.

۴-۸-۱ فرمالیسم علمی

این مقوله اشعار به آن دارد که با پولی‌شدن تحصیلات دانشگاهی و ارائه انبوه دانش‌آموختگان توسط دانشگاه‌های تجاری‌شده به جامعه، مدرک‌گرایی بیش از پیش رواج یافته و اخذ مدرک به خاطر صرف مدرک، به هدف ناگفته اما همگانی بدل شده است [۲۸].

"توسعه فرمالیسم علمی از طریق صورت‌گرایی‌های محض و درک مناسب‌گرایانه از فرآیندهای آموزشی یا به بیانی ساده‌تر،

پژوهش‌های علوم انسانی یافت می‌شود. بر این اساس، پژوهش‌ها رنگ و لعاب تزئینی دارند." (S103)

۴-۸-۳ خروج علم از دانشگاه

مقصود، تنک‌مایگی زیست‌بوم عقلانیت است که منجر شده معرفت از رشد موزون باز ماند و پیکر رنجور آنچه علم نامیده می‌شود روز به روز بی‌رمق‌تر و رنجورتر شود [۳۰].

"آنچه که از اصل آموزش در دانشگاه‌ها یافت می‌شود تن نیمه‌جان و جریان آموزش‌های بی‌روح به جای آموزش‌های آگاهی‌بخش، پویا و انتقادی است." (S120)

۴-۸-۴ چگالی رقیق کنش‌های علمی

چگالی کنش‌های علمی فعالانه در اجتماعات علمی، بسیار رقیق و گاه توأم با بی‌تفاوتی محض است [۳۷].

"دل‌مشغولی اصلی کنشگران، تنها نگارش پایان‌نامه‌هایی است که دانشجویان‌شان صاحب علائق علمی نیستند؛ استادان‌شان هم بیش از محتوای پایان‌نامه‌ها به داستان ارتقاء می‌اندیشند." (S181)

۴-۹-۴ مشکلات اجتماعی

به طور کلی به آن دسته از مشکلات اشاره دارد که در اثر شکل‌گیری خطمشی توسعه کمی آموزش عالی رخ داده‌اند که به طور عملیاتی از طریق ابعاد زیر قابل سنجش هستند.

۴-۹-۱ شکاف اجتماعی

یکی از پس‌آیندهای بکارگیری اصول بازار آزاد در نظام‌های آموزشی، کالایی شدن دانشجویان است و در حالی که مراکز آموزشی، رقابت می‌کنند تا دانشجویانی را بپذیرند که بالاترین نمرات را به دست می‌آورند، دانشجویان هم رقابت می‌کنند تا بهترین نتایج را در آزمون‌ها به دست آورند و این به وضعیت مرکز و ارزش درک‌شده آن کمک می‌کند. اما به دلیل ارتباطات قوی بین وضعیت اجتماعی و اقتصادی، سرمایه فرهنگی و عملکرد آموزشی، بازاری‌سازی، افتراق و جدایی اجتماعی را افزایش و تنوع افراد را در مراکز نخبه‌پرور کاهش می‌دهد که به طور فزاینده‌ای به حفظ گروه‌های ممتاز تبدیل می‌شود. این روند و تأثیر بیشتر آن در آموزش عالی، در دانشگاه‌های نخبگانی که به طور عمده از مدارس نخبه‌پرور، جذب دانشجو دارند، تشدید می‌شود.

"در حالی که یکی از اهداف انقلاب، تأمین عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری اجتماعی بود، فروش آموزش در سطح

آموزش عالی و آموزش و پرورش (به عنوان مثال، مدارس غیرانتفاعی) سبب افزایش شدید نابرابری و نهادینه شدن بیش از پیش آن شده، زیرا آموزش و اخذ مدرک، به کالای گران‌قیمتی بدل شده که تنها ثروتمندان امکان خرید و دسترسی بدان را دارند. (S151)

۴-۹-۲ بی‌سوادی کارکردی

بازاری‌سازی آموزش عالی، فقدان سواد کارکردی در عمل و به تبع آن سرخوردگی تحصیل‌کردگان و یأس فلسفی جوانان را در پی دارد [۱۸].

"عدم ارتباط و تعامل نهادینه و اثربخش با بازار کار، عدم امکان جذب و بکارگیری مؤثر و مفید دانش‌آموختگان دوره‌های آموزش عالی را در بازار کار در پی داشته و منجر به رشد و گسترش بیکاری و کم‌کاری در جامعه شده." (S105)

۴-۹-۳ عرضه‌گرایی بی‌کیفیت

مقصود، ظهور و سیطره ابرانگاره عرضه‌گرایی و غلبه آن بر گفت‌وگو تقاضا است ولو بی‌کیفیت.

"گسترش آموزش عالی فراگیر، خود از زمینه‌های بروز و دغدغه‌های کیفیت هست. این گسترش بی‌رویه در آموزش عالی بی‌توجه کافی به نیازهای جامعه، کیفیت برون‌دادها را در هاله‌ای از ابهام فرو برده." (S137)

۴-۹-۴ تاراج علم و عالم

رشد کمی بی‌حدومرز دانشگاه‌ها از ارزش علم و تحصیل در ایران و نیز از شأن عالم به شدت کاسته است [۳۹].

"با پرولتاریای سیاهی که در این زمینه به وجود آمده، آرزوی طرفداران تجاری‌شدن علم، محقق شده، اما نه در دانشگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها که در مؤسساتی که در این آشفته‌بازار کمی شدن علم و به تاراج رفتن عالم، سخت به تجارت و کسب سود خود مشغول‌اند." (S160)

۴-۹-۵ تداخلات ارزشی

فرآیندهای بازاری موجود در دانشگاه‌ها، ساختار ارزشی علم در این نهاد را تحت تأثیر قراردادده است.

"اصولا دانشگاه‌ها برخلاف بازار و تجارت که خصیلتی اقتداری دارند ماهیتی هنجاری دارند و طبیعت‌شان پذیرای رفتار کارفرما-کارگر نیست. لذا، محدود شدن موقعیت‌های علمی و حرفه‌ای دانشگاهی به بهانه‌ای غیر از نبود صلاحیت، تجاوز به اقتدار دانش بوده و پاسخ‌های عاطفی به چنین

امروزه دانشگاه‌ها با بحران دیگری به نام زوال کارکرد آموزش روبرو هستند. اگر سابقاً توجه صرف دانشگاه به آموزش مورد انتقاد بود، هم‌اکنون تأکید جدید و افراطی بر پژوهش موردانتقاد است.

"نظام آموزش عالی در ایران با کژکارکردی‌هایی روبروست و به خوبی از عهده کارکردهای اصلی خود یا مأموریت‌هایی که برای این نهاد تعریف شده برنمی‌آید." (S150)

۴-۱۰-۲ ایستایی دانشگاهی

مقصود، ناکارکردن دانشگاه ایرانی و بازماندن آن از پویایی و ظهور دانشگاه‌هایی ایستا، برون‌زا و بی‌کیفیت است. "دانشگاه در ایجاد سرمایه اجتماعی نقشی بی‌پدیل دارد و به تبع کاهش سرمایه اجتماعی دانشگاه، سرمایه اجتماعی جامعه هم از دست می‌رود؛ برای همین که امروز فقدان آینده‌ای روشن از دانشگاه و مستأجرائش، امید اجتماعی و پویایی را از دانشگاه و جامعه گرفته." (S86)

۴-۱۰-۳ تغییرات هنجاری

تغییر در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و شیوه نوین تفکر و زیست اجتماعی طبقه متوسط تحصیل‌کرده در جامعه، تغییرات سیاسی و ظهور خواسته‌ها، گرایش‌ها و جنبش‌های سیاسی جدیدی را در پی دارد.

"تقاضاهای فزاینده اجتماعی نشأت‌گرفته از تغییرات بافت جمعیتی کشور، علاوه بر جامعه جمعیت جوان و مطالبات رو به رشد آن، روز به روز بر مشارکت‌جویی‌های زنان هم در تقاضای دسترسی به آموزش عالی افزوده." (S20)

۴-۱۰-۴ تهدید نظام ملی آموزش عالی

باید اذعان داشت که تعامل دانشگاه و بازار موجب تهدیداتی برای ارزش‌های دانشگاهی چون آزادی علمی، جریان یاددهی-یادگیری، پرستیژ (وجهه) اجتماعی اعضا، هیأت علمی، برنامه درسی، تحقیقات بنیادین، راه و رسم علمی و سبک مدیریت دانشگاهی است [۱۳].

"آفت مدرک‌گرایی و تزریق مدام آن به جامعه و اعطای بی‌پایه مدارک دانشگاهی به اشخاص خصوصاً آنان که در سطوح مدیریتی نظام هستند؛ تهدید نظام آموزش عالی کشور و لطمه به آن محسوب شده و مشکلات مدیریتی زیادی برای نظام در پی داشته." (S93)

۴-۱۰-۵ تحدید نظام ملی آموزش عالی

تهدیداتی کاملاً قابل پیش‌بینی؛ هر چند حل این تز و آنتی‌تز می‌تواند موجب نوعی ارتباط سالم در تداخل فزاینده هویت‌های بعضاً مغایر دو فرهنگ دانشگاه و بازار، به گونه‌ای باشد که علم در آن، کلام نهایی باشد." (S143)

۴-۹-۶ در ماندگی رقابتی

منظور، عقب‌افتادگی نظام آموزش عالی ملی در مواجهه با روندها و چالش‌های جهانی شدن و رقابتی شدن است [۷].

"بی‌توجهی به مزیت‌های نسبی، رقابتی و بومی در خط‌مشی‌گذاری‌های ملی، بی‌توجهی به جغرافیای منطقه و تحولات آن، نبود سازگاری خلاق با تحولات محیطی جهانی و بین‌المللی، فقدان نظام تعاملات علمی ملی و بین‌المللی، ضعف اراده سیاسی در کیفیت‌بخشی ملی به آموزش عالی، ما را از رقابت سالم، پویا و کیفی در عرضه آموزش عالی در سطح و اندازه جهانی و بین‌المللی بازداشته." (S134)

۴-۹-۷ پرولتاریای دانشگاهی

اگر چه وزارت علوم در ایران هنوز با درک متعارف و سنتی از دانشگاه عمل می‌کند؛ اما ما با پدیده دانشگاه‌های جدید روبرو شده‌ایم. چیزی که می‌توان آن را "پرولتاریای دانشگاهی جدید" نامید، یعنی دانشگاه از اهداف اولیه خود (آموزش و توسعه علم) دور می‌شود و به شرکتی تجاری و اقتصادی برای جذب سرمایه تبدیل می‌شود که رضایت مشتری را هدف اولیه خود قرار داده و رضایت در اینجا نه بر اساس ارائه محصول باکیفیت بلکه بر مبنای توجه به نگرانی‌های مشتریان برای گرفتن آسان‌تر مدرک، عدم سخت‌گیری در نمره‌ها و غیبت کلاسی تعریف می‌شود [۴۰].

"دانشگاه‌ها بیشتر به حجره‌هایی اقتصادی با فهمی منفعت‌طلبانه از دانشگاه تبدیل شده‌اند. در این سیستم، دانشجویان صرفاً مشتریانی محسوب می‌شوند که به جای علم، تنها کاغذی به عنوان مدرک در پایان دوره، تحویل می‌گیرند." (S158)

۴-۱۰-۴ مشکلات کارکردی

منظور آن دسته مسائل و مشکلاتی است که در کارکرد سیستم، اختلال ایجاد کرده، بهره‌وری آن را پائین می‌آورند و باعث می‌شوند انرژی سیستم هدر رود و با ابعاد زیر به طور عملیاتی تعریف می‌شود.

۴-۱۰-۱ زوال کارکردی

۴-۱۰-۹ مک‌دونالدی شدن آموزش عالی

مقصود آن است که در آشفته‌بازار کنونی آموزش عالی، شهریه دانشگاه مهم‌ترین دغدغه هم برای دانشجو و هم برای دانشگاه خواهد بود و معیار دانشگاه‌های موفق برای گرفتن رتبه، در بزرگی و مساحت آنها، امکانات مادی، میزان کتاب، تعداد دانشجویان و استادان، تعداد مقاله‌ها و کتاب‌های چاپ‌شده است؛ معیارهای کمی که خریدنی هستند و به سادگی می‌توان آنها را در بازار سیاه دانشگاه تهیه کرد [۴۰].

"مک‌دونالدیزه‌شدن این است که شخص، کالایی را خیلی سریع و بااستاندارد و مشخصه‌های یکسان بخرد که در اختیار همه اقشار جامعه هست و کیفیت بالایی هم ندارد". (S153)

۴-۱۰-۱۰ بی‌اعتباری مدرک

این مقوله بدان اشعار دارد که این حجم بالای شرکت‌کننده در آزمون‌های تحصیلات تکمیلی، متناسب با ظرفیت و توانایی آموزش عالی ایران نیست؛ به دلیل آنکه باید نسبتی بین دانشجویان دکتری و ارشد پذیرفته‌شده با تعداد اساتید (استاد تمام) دانشگاه‌ها، وجود داشته باشد [۲۶].

"ما به سوی سیستمی می‌رویم که همه در آن مدرک دکترا دارند و دکترا بی‌ارزش خواهد شد؛ وگرچه همه دکترا بی‌ارزش نخواهند شد و البته که این اتفاق برای افرادی که دارای سطح بالا هستند نمی‌افتد ولی سیستم بی‌ارزش می‌شود؛ یعنی استادی، بی‌ارزش می‌شود؛ با نهاد می‌توان پیشرفت کرد نه با آدم‌ها؛ آدم‌ها می‌میرند اما نهادها باقی می‌مانند". (S139)

۴-۱۱ آثار و تبعات مثبت

در واقع باید دانست که چه به دلیل التزام به اصل ضرورت بررسی روندها در خطمشی‌های کلان آموزش عالی و چه به دلیل اهمیت نقش حیاتی ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر این نهاد در توسعه همه‌جانبه جامعه، کالبدشکافی جریان کنش متقابل دو نظام دانشگاه و بازار، امری ضروری است. اما این قضیه که دانشگاه تا چه حد قادر خواهد بود با ایجاد یک سپر فرهنگی از هویت و حرمت اجزاء نظام و ارزش‌های خود دفاع کند و با شناخت عوامل تهدیدگر بازار و تجارت و حذف آنها از این کیان، دفاع علمی به عمل آورد، موضوعی است بسیار مهم که ریشه‌یابی‌های درخوری را می‌طلبد [۱۳]؛ لکن به نظر می‌رسد در صورت شناخت و برخورد صحیح با مسئله و برنامه‌ریزی اصولی، این روند می‌تواند حامل

گسترش آموزش عالی در قالب نظامی متمرکز، نه تنها استقلال دانشگاه‌ها که در نهایت استقلال فکری اعضای هیأت علمی را نیز محدود کرده است.

"عدم استقلال فکری اساتید، افزایش ریسک تضاد اهداف حامیان مالی پژوهش دانشگاهی با اهداف علمی را در پی دارد و منجر به تقاضای پرورش علم ناب نخواهد شد". (S121)

۴-۱۰-۶ مسئولیت‌گریزی بخش عمومی

اشاره دارد به فرصت‌آفرینی در مسئولیت‌گریزی بخش عمومی برای انجام ندادن کارویژه‌های اصلی آن که کاهش مسئولیت دانشگاه در برابر جامعه را در پی دارد [۱۷].

"امروزه مسئولیت‌ناپذیری اجتماعی نظام آموزش عالی و کاهش انگیزه در اجرای کارویژه «خدمات اجتماعی» دانشگاه‌ها را شاهدیم". (S115)

۴-۱۰-۷ استحاله رسالت‌ها

مقصود، به استحاله رفتن چشم‌انداز، رسالت‌ها و بیانیه‌های مأموریت نظام آموزش عالی و مؤسسات وابسته به آن است.

"توجه به رسالت اجتماعی علم فراتر از انباشت آگاهی صرف، حل مشکلات جهانی از جمله نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، فقر، بی‌عدالتی‌های اجتماعی، آموزش و بهداشت ناکافی و تخریب محیط زیست را از آموزش عالی مطالبه می‌کند و این تغییر در تلقی از دانش و رسالت مراکز علمی، آموزش عالی را از جستجوی معرفت محض نظری به سوی تولید کالای کاربردی از دانش سوق داده، اما در روند این تحول، آگاهانه یا ناآگاهانه، انحراف و مغالطه‌ای صورت گرفته و با انحصار توسعه صرفاً در بُعد اقتصادی، این سودمندی و نقش‌آفرینی فقط سودمندی اقتصادی و توسعه مالی دیده‌شده و در نتیجه توسعه دانش اقتصاد-محور، رسالت آموزش عالی تلقی شده و این یعنی آموزش عالی متولی تجاری‌سازی دانش است". (S114)

۴-۱۰-۸ تعدد والی

وجود مراکز و متولیان متعدد آموزشی محل کارکرد اصلی و کارویژه تعریف‌شده آموزش عالی است.

"تعدد مراکز تصمیم‌گیری و واگرایی متولیان آموزشی، سردرگمی‌هایی را در آموزش عالی رقم زده که در عین تعدد والی و بعضاً حتی موازی‌کاری‌های احتمالی، امری مهم به صورت بلااقدام، بلا تکلیف و بی‌نتیجه رهاشده‌اند". (S107)

نیازمندی‌های اهداف توسعه ملی بر عهده دانشگاه‌ها و دانشگاهیان است.

"نه تنها نگاه جامعه به علم تغییر کرده که نگاه به زندگی هم متفاوت شده. ازسویی برای عامه مردم، «دانشگاهی شدن» جزئی لاینفک از زندگی روزمره‌شان شده و ازسوی دیگر برای دولت و بخش خصوصی، علم به کالایی قابل فروش بدل گشته. در واقع دانشگاه، بازاری شده که محصولاتی را ارائه می‌دهد و انسان استاندارد خط‌کشی شده‌ای را در سطح متوسط تولید می‌کند که هم می‌داند و هم نمی‌داند. با تمام این تفاسیر، هنوز هم دانشگاه‌ها کارکرد مثبت خود را دارند؛ همین که افراد با کتاب درگیر می‌شوند دستاورد خوبی است. توسعه عمومی دانشگاه‌ها می‌تواند ما را به سمت شهروند شدن سوق بدهد. این فرآیند در نهایت شاید به تولید علم منجر نشود اما می‌تواند شهروندان خوبی تربیت کند و این حداقل دستاورد یک فضای آموزشی است." (S126)

۴-۱۱-۶ جذابیت تحصیلی

این مقوله به معنای مطلوبیت و رونق گرفتن همه رشته‌های تحصیلی و دانشگاهی به صرف گرفتن مدرک تحصیلی است. "از دانشجو می‌پرسیم دغدغه تو برای ورود به این رشته چه بوده؟ می‌گوید صرفاً اخذ مدرک لیسانس برای کم نیاوردن در فامیل و گروه همسالان آن". (S18)

به طور کلی پس‌آیندهای شکل‌گیری خط‌مشی توسعه بازاری آموزش عالی در ایران در شکل ۲ قابل رویت است.

۵- بحث

یافته‌های پژوهش، پیشنهادها و اشارات صریحی هم برای خط‌مشی‌گذاران به ویژه خط‌مشی‌گذاران نظام آموزش عالی و هم برای پژوهشگران حوزه مدیریت به ویژه مدیریت آموزشی دربردارد. یافته‌های پژوهش، خط‌مشی توسعه بازاری آموزش عالی را در قالب هفت مضمون پیش‌آیندها و چهار مضمون پس‌آیندها مورد مذاقه قرار داده است. در باب پیش‌آیندها به طور کلی مواردی چون بی‌توجهی به جغرافیای منطقه و تحولات آن، بی‌توجهی به کلان‌روندهای ملی و جهانی در خط‌مشی‌گذاری‌های کلان آموزش عالی، فقدان نگاه هولوگرافیک^۱ به رویدادها و روندهای جهانی آموزش

دستاوردهای مثبتی باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آثار و تبعات مثبت با ابعاد زیر قابل سنجش هستند.

۴-۱۱-۱ صرفه‌جویی دولتی

رفع عائله‌مندی از دولت و کاهش حجم و اندازه آن آرزوی بسیاری از دولت‌مردانی است که در پی کاهش هزینه‌های دولت خویش و افزایش چابکی آن هستند.

"وقتی آموزش کالایی می‌شود، دولت هزینه‌هایی را از دوش خود برمی‌دارد و بر دوش مردم می‌گذارد. نه تنها آموزش عالی، بلکه آموزش‌های عمومی از قبیل بهداشت، سلامت و غیره هم از روی دوش دولت برداشته می‌شود". (S127)

۴-۱۱-۲ دیوان‌سالاری زدایی اداری

اشاره به کاهش دیوان‌سالاری اداری در فرآیندهای تحصیلی و نهایتاً کسب مدرک دارد.

"حذف دیوان‌سالاری‌های زائد اداری و سلسله‌مراتب‌های دست‌وپاگیر سنتی می‌تواند دو عامل مهم در شکل‌دهی خط‌مشی‌ها و عامل کلیدی در موفقیت خط‌مشی و سیاست‌های آن باشد". (S141)

۴-۱۱-۳ کاهش اختیارات دولتی

مقصود، کاهش حدود و ثغور اختیارات دولتی در امر چگونگی و نحوه پذیرش و سپس طی فرآیندهای تحصیلی برای دانشجویان است.

"بازاری‌سازی آموزش عالی در کنار همه معایب، می‌تواند کاهش فساد و انحرافات ناشی از اختیارات دولتی را در دانشگاه‌ها در پی داشته باشد". (S104)

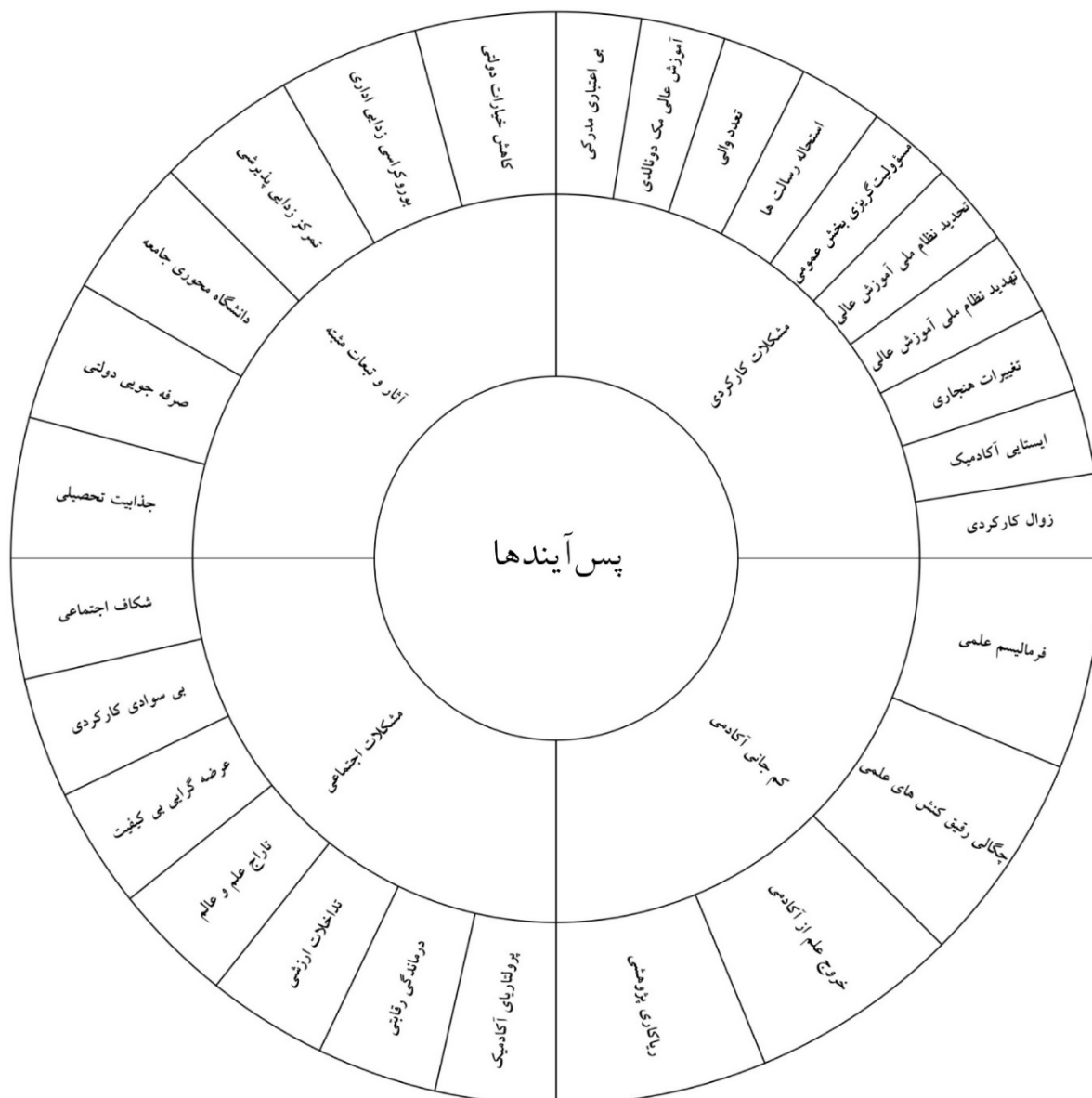
۴-۱۱-۴ تمرکززدایی پذیرشی

این مقوله اشاره به کاهش تمرکزگرایی در ثبت‌نام‌ها و پذیرش دانشگاه‌ها دارد.

"تمرکززدایی پذیرشی و مأموریت‌گرایی، گامی در راستای ارتقاء توانمندی دانشگاه‌ها و آمایش سرزمینی آنها است. مثلاً اهواز که یکی از مهم‌ترین شهرهای صنعتی در سطح کشوره فاقد حتی یک دانشگاه صنعتی؛ در حالی که در بسیاری از شهرهای کوچک کشور بدون داشتن هیچ بنیه صنعتی، شاهد تأسیس دانشگاه‌های صنعتی بوده هستیم". (S129)

۴-۱۱-۵ دانشگاه محوری جامعه و شهروندپروری

منظور، محوری‌شدن نهادهای دانشگاهی در جامعه است. در واقع در غالب کشورهای پیشرفته، حل مسائل و رفع



شکل ۲) پس‌آیندهای شکل‌گیری خطمشی توسعه بازاری آموزش عالی در ایران

جاودانی و همکارانش [۱۷]، مشرف‌جوادی و همکارانش [۱۹] و قارون [۲۳] سازگاری دارند. در باب پس‌آیندها نیز یافته‌های پژوهش اظهار می‌دارد که با بدل‌شدن آموزش به کالایی گران‌قیمت که تنها ثروتمندان امکان خرید و دسترسی بدان را دارند افزایش نابرابری‌های اجتماعی و طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه ماحصل توسعه بازاری آموزش عالی بوده است در حالی که یکی از اهداف عالی انقلاب، تأمین عدالت و کاهش نابرابری اجتماعی بود. این مورد با پژوهش عباسی و همکارانش [۱۳] سازگار است. همچنین فقدان سوادکارکردی که پیش‌تر گودرزی و همکارانش [۱۸] بدان اشاره کرده بودند جذب اغلب دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها را در بخش‌های غیرتولیدی و

عالی، بی‌توجهی به روندهای محیطی و تحولات بازارکار، بی‌توجهی به سپهر اقتصادی و حقوقی کشور، بی‌توجهی به روندهای تقاضای نیروی انسانی ناشی از تحولات اقتصادی و پروژه‌های توسعه‌ای و تقاضاهای فزاینده اجتماعی ناشی از تغییرات بافت جمعیتی کشور، فقدان تفکر برنامه‌ریزی معطوف به آینده، بی‌توجهی به نیروهای پیش‌ران ملی و جهانی همچون تغییرات نسلی، تغییرات نیروی انسانی، تغییرات فناوری و ...، فقدان آمایش دقیق سرزمین با نگاه به آینده، غلبه گفتمان تقاضا بر گفتمان عرضه، بی‌توجهی به مطالبات رو به رشد جمعیت جوان و مشارکت‌جویی‌های دایم‌التزاید زنان و ... بر سر آموزش عالی ما آن آورده که مشهود است و همگی با پژوهش‌های پیشین اسکات [۷]، فراستخواه [۱۵]،

توليدات دانشگاهی را منجر شده‌اند متوقف کنیم تا پویایی دانشگاهی و احیاء کارکرد توسعه‌ای دانشگاه و نظام آموزش عالی را شاهد باشیم.

غیرفعال جامعه در پی داشته و نتیجه آن، تداوم جریان مهاجرت مغزها و خروج ارزها، افت سطح کیفی نظام علمی و ضعف ارتباط با نظام اقتصادی بوده است.

References

منابع

- [1] Susanti, D. (2011). **Privatisation and marketisation of higher education in Indonesia: the challenge for equal access and academic values.** *Journal of Higher Education*, 61(2), 209-218.
- [2] Stone, P. (2015). **Preparation for life or a commodity that can be bought? The Marketisation of Universities.** *Education Policy, Higher Education*, Available at <http://www.consider-ed.org.uk>
- [3] Danaeefard, H. (2016). **The Getting Ride of" Public Policies in Iran: Conceptual Foundations, Charactrsitics, Antecedents and Consequences.** *Journal of Science and Technology Policy*, 8(2), 79-96. {In Persian}.
- [4] Bhayani, A. (2013). **Marketisation of Higher Education in UAE and its impact on teaching quality', The Dubai International Conference in Higher Education: Succeeding in the Pursuit of Quality.** *Brownwalker*, United States. 131-144.
- [5] Senior, C., Moores, E. , & Burgess, A. P. (2017). **I Can't Get No Satisfaction.: Measuring Student Satisfaction in the Age of a Consumerist Higher Education.** *Frontiers in psychology*, 8, 980. Published online at: www.ncbi.nlm.nih.gov
- [6] Delanty, G. (2002). **Challenging knowledge: The university in the knowledge society.** *Taylor & Francis*.
- [7] Scott, P. (1998). **Massification, internationalization and Globalization.** (In: *The Globalization of higher education*, 108-129). Buckingham: *Open University Press*.
- [8] Ghaneirad. M. (2004). **Inharmonic development of higher education: graduates 'unemployment and elites' immigration.** *Journal of Social welfare*, 4(15), 170-207. {In Persian}.
- [9] Sarafrazi. K. (2015). **Universities' decision to end quantitative development.** Published online At: www.qudsonline.ir/news/297276. {In Persian}.
- [10] Kebriaie, A., & Roodbari, M. (2005). **The gap between the qualities of educational services at Zahedan University of Medical Sciences: Students' views on the current and favorable situation.** *Iranian Journal of Medical Education*, 5(1), 53-61. {In Persian}.
- [11] Hajikhajloo, R. (2013). **Thinking about the functions of universities: Decreased educational function in the focus of research-oriented on universities.** Available at: www.higheredu.blogfa.com
- [12] **Future study of Higher education in Iran.** (2014-2016). *Higher Education Research and Planning Institute*. Panel 1-14. {In Persian}.
- [13] Abbasi, B., Gholipour, A., & Delavar, A. (2009). **A Qualitative Research about the effect of commercialization approach on the traditional academic values.** *Journal of Science and Technology*

۶- نتیجه گیری

رسیدن به مازاد عرضه از مازاد تقاضا، ضعف تنظیم‌گری آموزش عالی ما را می‌رساند؛ همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش به نظرمی‌رسد که تلقی آموزش به عنوان کالایی خصوصی و قابل فروش در وضعیت فعلی کشور، محرومان را در دسترسی به آن، محروم‌تر و مرفهان را برخوردارتر کرده در حالی که همگان بر این تصورند که دانشگاه نمادی از عدالت‌خواهی است. از طرفی کاپیتالیسم آموزشی در تمام دنیا وجود داشته و ما را نیز یارای مقاومت در برابر آن نیست؛ اما شاید دیگر وقت آن رسیده باشد که روش‌های شهودی و گرایشات جناحی را در خط‌مشی‌گذاری‌های کلان کشور کنار گذارده و از دانشگاه به عنوان نماد ملی آموزش، دعوت رسمی به عمل آوریم که به مرکز صحنه خط‌مشی‌گذاری آموزش عالی آید و پس از مشارکت فعال در تدوین خط‌مشی‌ها با صبغه نظر و تجربه عمل خود، آن را با تثبیت گام‌های اجرا و تعیین متولی مشخص و پاسخگو یاری دهیم. نگاه ورودی‌محور را با دید خروجی‌محور جایگزین و دانش و مدارک دانشگاهی را از کالایی لوکس و نمادین به جایگاه واقعی و رفیع خود بازگردانده و از مصرف فرهنگی آنها بکاهیم تا آبروی به تاراج رفته علم و عالم به آنها باز گردد. حرکت یکنواخت و موزون در کارکردهای سه‌گانه آموزش عالی - تولید، انتقال و انتشار علم - را از سر گیریم و در تدوین الگویی منسجم و برخاسته از سنت نظری قابل دفاع برای آن بکوشیم. از کمیت‌های افسارگسیخته و عرضه‌گرایی‌های افراطی و بی‌کیفیت در پاسخ به فشار کاذب جامعه متقاضی بکاهیم و بر کیفیت‌بخشی به نظام آموزش عالی مان تعصب به خرج دهیم. به درس‌آموزی‌های غلط و گرت‌بردارای‌های ناقص از سایر کشورها خاتمه دهیم و بر الگوبرداری‌های دقیق، علمی و محتوایی بر مبنای پاسخگویی به نیازهای استان‌ها و مناطق با هدف آمایش سرزمینی آموزش عالی تکیه کنیم و در آخر بازی‌های آماری، توسعه‌نمایی‌های صوری و فرآیندهای آموزشی منسک‌مآبانه را که بازار سیاه

- Marketizing.** Available Essay at: farhangemrooz.com. {In Persian}.
- [27] Fazeli, N. (2013). **Critical evaluation of higher education policies.** Available at: farhangshenasi.ir. {In Persian}.
- [28] Mohaddesi, H. (2016). **University as Market: Consequences of the Increasing Commercialization of Higher Education in Iran.** Available at: <http://farhangemrooz.com>. {In Persian}.
- [29] Ghofrani, M. (2003). **Structural Issues of the Iranian Higher Education System and the Ways to Exit it in the Fourth Schedule.** *Journal of Parliament and Research*, 41, 73-100. {In Persian}.
- [30] Paya, A. (2015). **Why doesn't the academy have a life? Academy and Politics.** *Journal of Dynamic Thought*, 4(29), 92-93. {In Persian}.
- [31] Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). **Three approaches to qualitative content analysis.** *Journal of Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288.
- [32] Butterfield, K. D., Trevino, L. K., & Ball, G. A. (1996). **Punishment from the manager's perspective: a Grounded Investigation and Inductive Model.** *Academy of Management Journal*, 39(6), 1312-1479.
- [33] Habibpour, K., & Safari, R. (2009). **Comprehensive Guide to Application SPSS in Survey Research.** Tehran: Luye Press. {In Persian}.
- [34] Heydari Abdi, A. (2003). **Investigating the goals and performance of the Third Development Program of Higher Education in Iran.** *Publications of the Higher Education Research and Planning Institute.* {In Persian}.
- [35] Hemmati, A., Goodarzi, M., & Hajjani, E. (2015). **Future study of commercialization of higher education in the Islamic Republic of Iran; Necessity or obligation!.** *Journal of Future Study of Management*, 26(102), 1-14. {In Persian}.
- [36] Mirfardi, A. (2004). **The Pathology of Higher Education and Development Interaction in Iran, Proceedings of the Conference on Higher Education and Sustainable Development.** *Institute for Research and Planning in Higher Education.* {In Persian}.
- [37] Fazeli, M. (2015). **Death is the lifeblood of the academy.** *Journal of Dynamic Thought*, 4(29), 89-91. {In Persian}.
- [38] Rose, H. (1969). **Science & Society.** *Allen Lane the Penguin Press.*
- [39] Amani, M. (2014). **The country's higher education system has become a "Social Issue".** Available Essay at danakhabar.com. {In Persian}.
- [40] Kazemi, A. (2015). **The new academic proletariat.** *Journal of Dynamic Thought*, 4(31), 56-59. {In Persian}.
- Policy*, 2(2), 63-76. {In Persian}.
- [14] Mahmoodpour, B., Rahimian, H., Abbaspour, A., & Delavar, A. (2012). **Recognizing the Challenges Facing the Commercialization of Educational Management Research Using Grounded Theory.** *A New Approach to Educational Management*, 3(3), 1-26. {In Persian}.
- [15] Farasatkah, M. (2010). **University and Higher Education: Global Perspectives and Iranian Issues.** *Ney Publishing.* {In Persian}.
- [16] Farasatkah, M. (2013). **Critique of policy making in Iran Higher Education.** *The Social Critique of Higher Education Policies, Sociology Society,* Tehran. Available at: farasatkah.blogspot.com. {In Persian}.
- [17] Javdani, H., Tofighi, J., Ghazitabatabee, M., & Pardakhtchi, M. (2008). **Investigating the Management of Iran's Higher Education System from the Perspective of Higher Managers: Past, Present and Future.** *Journal of Research and planning in higher education*, 14(2), 139-161. {In Persian}.
- [18] Goodarzi, A., Alerasool, S., & Alaiepour, A. (2005). **A Review of the Functions and Challenges of Higher Education.** *Journal of substructure*, 1. Available at: <http://payamomran.blogfa.com/post/6>. {In Persian}.
- [19] Moshrefjavadi, M., koorangbeheshti, A., & Mohammadiesfahani, N. (2006). **An Overview of the Higher Education System in World Countries & Iran.** *Congress of Humanities*, 19-45. {In Persian}.
- [20] Harvey, D. (1989). **The condition of postmodernity (Vol. 14).** Oxford: *Blackwell.*
- [21] Karnameh Haghighi, H., & Akbari, N. (2005). **A Survey on Women's Demand for Higher Education in Iran.** *Journal of Women in Development & Politics*, 3(1), 69-100. {In Persian}.
- [22] Fatehi, A., Adibi, M., Yazdekhesti, B., & Saeedi, H. (2009). **Why the relative increase in girls' entry to university.** *Journal of Strategic Studies of Women*, 11(44), 173-204. {In Persian}.
- [23] Gharoon, M. (2004). **Analysis and estimation of social demand for higher education entry.** *Institute for Research and Planning in Higher Education.* {In Persian}.
- [24] Ghaneirad, M., & Khosrokhavar, F. (2006). **A study on the cultural factors influencing the increase in girl's entrance into universities.** *Journal of Research for women*, 0(4), 115-138. {In Persian}.
- [25] Sayyari, A. (1989). **The bottlenecks of the higher education system over the past ten years.** *Journal of Revolution University*, 69, 53-56. {In Persian}.
- [26] Ghaneirad, M. (2013). **Higher Education**